**یکصد سخن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به گزینش شهید مطهری**

...ما نمی توانیم از این اظهار تأسف در باره خودمان خودداری بکنیم که ما که امت پیغمبر آخرالزمان هستیم، از هر کدام مان اگر بپرسند، نه چند تا سخن از پیغمبر بلدیم حتی لفظش را هم بلد نیستیم چه رسد به معنی و تفسیرش و نه از سیره و رفتار پیغمبر می توانیم چند کلمه بگوییم.

این را من در بعضی جلسات دیگر هم گفته ام: یکی از نویسنده های معروف ایران که دو سه سال پیش مُرد و البته مذهبی نبود (ابتدای عمرش که هیچ مذهبی نبوده، این آخر عمری ها به واسطه کتاب هایی از من که منتشر شده بود با من ارتباط، و تمایلی [به مذهب] پیدا کرده بود) یک وقتی به من گفت: من دارم کتابی را ترجمه می کنم در حکمت ادیان، یعنی حکمت هایی که در دین های مختلف عالم وجود دارد: حکمت هایی که امروز در دین یهود وجود دارد، حکمت هایی که در همین انجیل وجود دارد، حکمت هایی که به زردشت نسبت می دهند، حکمت هایی که به بودا نسبت می دهند، حکمت هایی که از کنفسیوس است، و حکمت هایی که از پیغمبر ماست.

گفت: من فقط به رگ سیّدی ام برخورده، زیرا از هر کسی کلمات زیادی نقل کرده ولی به پیغمبر اسلام که رسیده چند جمله کوتاه نقل کرده، و چون ترجمه من ترجمه آزاد است می خواهم اندکی بیشتر نقل کنم ولی من که دسترسی ندارم. گفت: من تصمیم گرفته ام صد آیه از قرآن نقل کنم، صد جمله از کلمات پیغمبر، و صد جمله از کلمات امیرالمؤمنین. در مورد قرآن گفت چون قرآنِ مترجَم (قرآن آقای قمشه ای) هست خودم می توانم چند آیه انتخاب بکنم. از کلمات امیرالمؤمنین هم چون نهج البلاغه های مترجم هست می توانم انتخاب بکنم، ولی راجع به سخن پیغمبر چون من به عربی چندان وارد نیستم و در فارسی هم هر چه گشتم پیدا نکردم، اگر می توانی صد جمله از پیغمبر برای من پیدا کن و ترجمه هم بکن ولی بعد من به قلم خودم در می آورم که مطابق ذوق خودم باشد.

گفتم بسیار خوب. من صد جمله از رسول اکرم جمع آوری کردم و در اختیارش قرار دادم، ترجمه هم کردم که یک وقت در معنایش اشتباه نکند، بعد هم او در کتابی به نام «حکمت ادیان» چاپ کرد. البته آنجا اسم نبرد که این صد جمله پیغمبر را از کجا گرفته است، من هم نمی خواستم چون منظورم این بود که این کار انجام شود. به هر حال یک وقت به من رسید و گفت: فلانی! پیغمبر ما یک چنین سخنانی داشته؟! من که نمی دانستم. در صورتی که خودِ این نویسنده یک نویسنده معروف ایران، و کسی است که در کشورهای خارجی احیانا روی او حساب می کنند و وقتی می خواهند نویسنده های درجه اول ایران را بشمارند، یکی هم او را می شمارند.

یک آدمی که به قول خودش سید است و [در همه] عمرش هم سر و کارش با کتاب بوده است خبر نداشت که پیغمبر ما چنین سخنانی دارد. به من گفت: پیغمبر ما یک چنین سخنانی داشته و من نمی دانستم؟! گفتم: بله. بعد که کتاب چاپ شد گفت: فلانی، من حالا می بینم سخنان پیغمبر اسلام بر سخنان تمام پیغمبران عالم می چربد. اینقدر عمیق و پرمعناست.

چرا ما مسلمان ها باید اینقدر کوتاهی کرده باشیم که یک نویسنده ما که او هم کوتاهی کرده است اطلاع نداشته باشد که اصلاً پیغمبر سخنان حکمت آمیزی هم دارد یا ندارد؛ با اینکه من این سخنان را انتخاب نکرده بودم، بعضی در ذهنم بود، برخی را از روی اثنی عشریه، و بعضی را از روی تحف العقول نوشتم و در اختیارش قرار دادم.

از کلمات کوتاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله:

1. هر چه فرزند آدم پیرتر می شود، دو صفت در او جوانتر می گردد: حرص و آرزو.

 2. دو گروه از امت من هستند که اگر صلاح یابند، امت من صلاح می یابد و اگر فاسد شوند، امت من فاسد می شود: علما و حکام.

3. شما همه شبان و مسؤول نگاهبانی یکدیگرید.

4. نمی توان همه را با مال راضی کرد اما به حسن خلق، می توان.

5. ناداری بلاست. از آن بدتر، بیماری تن، و از بیماری تن دشوارتر، بیماری دل.

6. مؤمن همواره در جستجوی حکمت است.

7. از نشر دانش نمی توان جلو گرفت.

8. دل انسانی همچو پری است که در بیابان به شاخه درختی آویزان باشد، از وزش بادها دائم در انقلاب است و زیر و رو می شود.

9. مسلمان آن است که مسلمانان از دست و زبان او در آسایش باشند.

10. رهنمای به کار نیک، خود کننده آن کار است.

11. هر دل سوخته ای را عاقبت پاداشی است.

12. بهشت زیر قدم های مادران است.

13. در رفتار با زنان، از خدا بترسید و آنچه درباره آنان شاید، از نیکی دریغ ننمایید.

14. پروردگار همه یکی است و پدر همه یکی. همه فرزند آدمید و آدم از خاک است. گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.

15. از لجاج بپرهیزید که انگیزه آن، نادانی و حاصل آن، پشیمانی است.

16. بدترین مردم کسی است که گناه را نبخشد و از لغزش چشم نپوشد، و باز از او بدتر کسی است که مردم از گزند او در امان و به نیکی او امیدوار نباشند.

17. خشم مگیر و اگر گرفتی، لختی [یعنی اندکی] در قدرت کردگار بیندیش.

18. چون تو را ستایش کنند، بگو ای خدا مرا بهتر از آنچه گمان دارند بساز و آنچه را از من نمی دانند بر من ببخش و مرا مسؤول آنچه می گویند قرار مده.

19. به صورت متملقین [چاپلوس ها] خاک بپاشید.

20. اگر خدا خیر بنده ای را اراده کند، نفس او را واعظ و رهبر او قرار می دهد.

21. صبح و شامی بر مؤمن نمی گذرد مگر آنکه بر خود گمان خطا ببرد.

22. سخت ترین دشمن تو همانا نفس اماره است که در میان دو پهلوی تو جا دارد.

23. دلاورترین مردم آن است که بر هوای نفس غالب آید.

24. با هوای نفس خود نبرد کنید تا مالک وجود خود گردید.

25. خوشا به حال کسی که توجه به عیوب خود، او را از توجه به عیوب دیگران باز دارد.

26. راستی به دل آرامش می بخشد و از دروغ شک و پریشانی می زاید.

27. مؤمن آسان انس می گیرد و مانوس دیگران می شود.

28. مؤمنین همچو اجزای یک بنا همدیگر را نگاه می دارند.

29. مثل مؤمنین در دوستی و علقه به یکدیگر مثل پیکری است که چون عضوی از آن به درد بیاید، باقی اعضا به تب و بی خوابی دچار می شوند.

30. مردم مانند دندانه های شانه با هم برابرند.

31. دانش جویی بر هر مسلمانی واجب است.

32. فقری سخت تر از نادانی و ثروتی بالاتر از خردمندی و عبادتی والاتر از تفکر نیست.

33. از گهواره تا گور دانشجو باشید.

34. دانش بجویید گرچه به چین باشد.

35. شرافت مؤمن در شب زنده داری و عزت او در بی نیازی از دیگران است.

36. دانشمندان تشنه آموختنند.

37. دلباختگی، کر و کور می کند.

38. دست خدا با جماعت است.

39. پرهیزگاری جان و تن را آسایش می بخشد.

40. هر کس چهل روز به خاطر خدا زندگی کند، چشمه حکمت از دلش به زبان جاری خواهد شد.

41. با خانواده خود بسر بردن، از گوشه مسجد گرفتن، نزد خداوند پسندیده تر است.

42. بهترین دوست شما آن است که معایب شما را به شما بنماید.

43. دانش را به بند نوشتن در آورید.

44. تا دل درست نشود، ایمان درست نخواهد شد و تا زبان درست نشود، دل درست نخواهد بود.

45. تا عقل کسی را نیازموده اید، به اسلام آوردن او وقعی نگذارید.

46. تنها به عقل می توان به نیکی ها رسید. آن که عقل ندارد از دین تهی است.

47. زیان نادانان بیش از ضرری است که تبهکاران به دین می رسانند.

48. هر صاحب خردی از امت مرا چهار چیز ضروری است: گوش دادن به علم، به خاطر سپردن و منتشر ساختن دانش و بدان عمل کردن.

49. مؤمن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود.

50. من برای امت خود، از بی تدبیری بیم دارم نه از فقر.

51. خداوند زیباست و زیبایی را دوست می دارد.

52. خداوند مؤمن صاحب حرفه را دوست دارد.

53. تملق، خوی مؤمن نیست.

54. نیرومندی به زور بازو نیست، نیرومند کسی است که بر خشم خود غالب آید.

55. بهترین مردم، سودمندترین آنان به حال دیگران اند.

56. بهترین خانه شما آن است که یتیمی در آن به عزت زندگی کند.

57. چه خوب است ثروت حلال در دست مرد نیک.

58. رشته عمل، از مرگ بریده می شود مگر به سه وسیله: خیراتی که مستمر باشد، علمی که همواره منفعت برساند، فرزند صالحی که برای والدین دعای خیر کند.

59. پرستش کنندگان خدا سه گروهند: یکی آنان که از ترس عبادت می کنند و این عبادت بردگان است، دیگر آنان که به طمع پاداش عبادت می کنند و این عبادت مزدوران است، گروه سوم آنان که به خاطر عشق و محبت عبادت می کنند و این عبادت آزادگان است.

60. سه چیز نشانه ایمان است: دستگیری با وجود تنگدستی، از حق خود به نفع دیگری گذشتن، به دانشجو علم آموختن.

61. دوستی خود را به دوست ظاهر کن تا رشته محبت محکمتر شود.

62. آفت دین سه چیز است: فقیه بدکار، پیشوای ظالم، مقدس نادان.

63. مردم را از دوستانشان بشناسید، چه، انسان همخوی خود را به دوستی می گیرد.

64. گناه پنهان به صاحب گناه زیان می رساند، گناه آشکار به جامعه.

65. در بهبودی کار دنیا بکوشید اما در کار آخرت چنان کنید که گویی فردا رفتنی باشید.

66. روزی را در قعر زمین بجویید.

67. چه بسا که از خودستایی، از قدر خود می کاهند و از فروتنی، بر مقام خود می افزایند.

68. خدایا! فراخ ترین روزی مرا در پیری و پایان زندگی کرامت فرما.

69. از جمله حقوق فرزند بر پدر این است که نام نیکو بر او بگذارد و نوشتن به او بیاموزد و چون بالغ شد، او را همسر انتخاب کند.

70. صاحب قدرت، آن را به نفع خود به کار می برد.

71. سنگین ترین چیزی که در ترازوی اعمال گذارده می شود، خوش خویی است.

72. سه امر، شایسته توجه خردمند است: بهبودی زندگانی، توشه آخرت، عیش حلال.

73. خوشا کسی که زیادی مال را به دیگران ببخشد و زیادی سخن را برای خود نگاه دارد.

74. مرگ، ما را از هر ناصحی بی نیاز می کند.

75. این همه حرص حکومت و ریاست و این همه رنج و پشیمانی در عاقبت!

76. عالم فاسد، بدترین مردم است.

77. هر جا که بدکاران حکمروا باشند و نابخردان را گرامی بدارند، باید منتظر بلایی بود.

78. نفرین باد بر کسی که بار خود را به دوش دیگران بگذارد.

79. زیبایی شخص در گفتار اوست.

80. عبادت هفت گونه است که از همه والاتر طلب روزی حلال است.

81. نشانه خشنودی خدا از مردمی، ارزانی قیمت ها و عدالت حکومت آنهاست.

82. هر قومی شایسته حکومتی است که دارد.

83. از ناسزا گفتن، به جز کینه مردم سودی نمی بری.

84. پس از بت پرستیدن، آنچه به من نهی کرده اند در افتادن با مردم است.

85. کاری که نسنجیده انجام شود، بسا که احتمال زیان دارد.

86. آن که از نعمت سازش با مردم محروم است، از نیکی ها یکسره محروم خواهد بود.

87. از دیگران چیزی نخواهید گرچه یک چوب مسواک باشد.

88. خداوند دوست ندارد که بنده ای را بین یارانش با امتیاز مخصوص ببیند.

89. مؤمن خنده رو و شوخ است، و منافق عبوس و خشمناک.

90. اگر فال بد زدی، به کار خود ادامه بده و اگر گمان بد بردی، فراموش کن و اگر حسود شدی، خود دار باش.

91. دست یکدیگر را به دوستی بفشارید که کینه را از دل می برد.

92. هر که صبح کند و به فکر اصلاح کار مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.

93. خوشرویی کینه را از دل می برد.

94. مبادا که ترس از مردم، شما را از گفتن حقیقت باز دارد!

95. خردمندترین مردم کسی است که با دیگران بهتر بسازد.

96. در یک سطح زندگی کنید تا دل های شما در یک سطح قرار بگیرد. با یکدیگر در تماس باشید تا به هم مهربان شوید.

97. هنگام مرگ، مردمان می پرسند: از ثروت چه باقی گذاشته؟ فرشتگان می پرسند: از عمل نیک چه پیش فرستاده؟

98. منفورترین حلال ها نزد خداوند طلاق است.

99. بهترین کار خیر، اصلاح بین مردم است.

100. خدایا مرا به دانش توانگر ساز و به بردباری زینت بخش و به پرهیزگاری گرامی بدار و به تندرستی زیبایی ده.

منبع:مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ‏16، ص: 49